



## ISLAMIC AND WESTERN LIFESTYLE; BASICS AND APPROACHES\*

Mohammad Javad Eskandarloo <sup>1</sup>

### Abstract

Lifestyle is one of the most important topics in sociology, educational sciences, ethics and economics. They use the concept of lifestyle to explain socio-cultural behaviors that typically reflect the complex reality of behaviors and even attitudes in society. Islamic lifestyle refers to the type of lifestyle that has originated from the teachings of the Qur'an and hadiths. In this article, after referring to the research background, the current lifestyle of Muslims in the face of the cultural West is discussed, then the basics of the Islamic lifestyle are mentioned in three sections: "faith and inclination", "behavior" and "culture and society". Then the foundations of the Western lifestyle have been introduced in three ways: "hedonism", "powerism" and "utilitarianism".

This article, which has been studied by descriptive-analytical method, has come to the conclusion that the Qur'an has been able to enter into all aspects of life both materially and spiritually by organizing and shaping the daily life of the early Islamic community and introduce the Qur'an to different socio-cultural environments in a short period of time. The comprehensiveness of this divine book is such that it is considered as a model and a source for the Islamic lifestyle of contemporary man.

**Keywords:** Islamic life, Quranic Basic Principles of life, Western culture.

---

\*. **Date of receiving:** 12 September 2020, **Date of approval:** 21 December 2020.

1. Associate Professor of Al-Mustafa International University: mj\_eskandarloo@miu.ac.ir.



## سبک زندگی اسلامی و غربی (مبانی و رویکردها)\*

محمد جواد اسکندارلو<sup>۱</sup>

### چکیده

سبک زندگی، از مباحث مهم در علوم جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اخلاقی و علوم اقتصادی است. مفهوم سبک زندگی را برای تبیین رفتارهای فرهنگی - اجتماعی به کار می‌برند که نوعاً نشانگر واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش در جامعه است. مراد از سبک زندگی اسلامی، آن نوع از سبک زندگی است که از آموزه‌های قرآن و روایات سرچشمه گرفته است. در این مقاله، پس از اشاره به پیشینه پژوهش، سبک زندگی کنونی مسلمانان در مواجهه با غرب فرهنگی مطرح شده، سپس مبانی سبک زندگی اسلامی در سه بخش «ایمانی و گرایشی»، «رفتاری» و «فرهنگی و اجتماعی» ذکر گردیده است. پس از آن مبانی سبک زندگی غربی در سه قالب «لذت‌گرایی»، «قدرت‌گرایی» و «نفع‌گرایی» معرفی شده است. این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است و به این نتیجه دست یافته است که قرآن توانسته است از طریق سازمان‌دهی و شکل دادن به زندگی روزمره جامعه اولیه مسلمانان به لحاظ مادی و معنوی در تمام ابعاد زندگی وارد شود و قرآن را در یک بازه زمانی کوتاه به محیط‌های فرهنگی - اجتماعی متفاوتی معرفی کند که جامعیت این کتاب آسمانی به گونه‌ای است که برای سبک زندگی اسلامی انسان معاصر نیز الگو و منبعی اساسی شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اسلامی، غربی، مبانی، رویکردها.

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲ و تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعة المصطفى العالمية: mj\_ eskandarlo@miu.ac.ir.



## مقدمه

سبک زندگی، یکی از مباحث مهم در علوم از قبیل جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اخلاقی و علوم اقتصادی است. این مقوله، سیستم پیچیده‌ای است که بر اساس اندیشه‌های ادیان، مذاهب و مکاتب گوناگون در جهان شکل می‌گیرد. از اموری که برای بشر از گذشته مورد اهمیت بوده، سبک زندگی و زیرساخت‌های آن است. مفهوم «سبک زندگی» (life \_ style) یا «اسلوب الحیاة» را برای تبیین رفتارهای فرهنگی، اجتماعی به کار می‌برند که نوعاً نشانگر واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش در جامعه است.

### ۱. پیشینه پژوهش

به لحاظ تاریخی، پرسش از معنای زندگی و [سبک زندگی] پرسشی به قدمت حیات بشریت است و همواره نیازمند پرسیدن و جست‌وجوی از پاسخ بوده است؛ اما پاسخ به آن بسته به طرز بینش نسبت به خود، خالق و جهان و پدیده‌های آن متفاوت بوده است. همچنین فضای آزاد یا بسته بحث و انتقاد در هر دوره به زمینه رشد و بالندگی طرح این مسئله و تلاش برای به دست آوردن پاسخ آن یا رکود و مسکوت گذاردن آن در بستر تاریخ کمک نموده است.

به لحاظ سابقه تدوین و ارائه تحقیقات در این زمینه (پیرامون سبک زندگی اسلامی)، آثاری از جمله رساله دکتری «چالش‌های سبک زندگی قرآنی و مدرنیته با تأکید بر خانواده» که توسط اکبر محمودی به رشته تحریر درآمده است. در مورد سبک زندگی پیامبر اسلام ﷺ از منظر قرآن و روایات، کتابی به قلم محمد جواد اسکندرلو نوشته شده است. «سبک زندگی در صحیفه سجادیه»، تألیف رضایی بیرجندی و «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، تألیف محمد کاویانی را می‌توان نام برد. ولی تاکنون اثری تحت عنوان «سبک زندگی اسلامی و غربی؛ مبانی و رویکردها» به رشته تحریر درنیامده است.

### ۲. مفهوم سبک زندگی

«سبک زندگی» تعبیری متشکل از دو واژه «سبک» و «زندگی» است که دارای بار معنایی ویژه‌ای در نزد دانشمندان علوم جامعه‌شناسی، علوم اقتصادی، علوم تربیتی، اخلاقی و ... است. هرچند مفهوم اصطلاحی این تعبیر، از محتوای بسیار گسترده و بالایی برخوردار است، ولی همه تعاریف و توضیحاتی که برای این تعبیر ذکر شده، در طول معنای لغوی این تعبیر است و با دقت کامل می‌توان اذعان نمود که فقط تعبیر فنی و علمی آن عوض شده، ولی به لحاظ ریشه‌ای، معنای لغوی آن تغییر نکرده است.



واژه «سبک» در لغت به معنای روش: شیوه، طرز، راه و رسم، قاعده، اسلوب و ... آمده است (معین، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۷۱: م/۱۸۱۸؛ انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ۴۰۱۶/۵).  
واژه «زندگی» نیز در لغت، به معنای عمر، زندگانی، حیات، زیستن، معاشرت، زنده بودن و ... است (معین، فرهنگ فارسی معین، ۱۳۷۱: ۱۷۵۳/۲).

مقوله «سبک زندگی» ناظر به دو مطلب است: مردم چه انجام می دهند و چگونه انجام می دهند؟ این دو پرسش، برای همه حوزه‌های گوناگون فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی و محیط زیستی و نیز همه ابعاد گوناگون عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی، هنری و ... و در همه عرصه‌های متفاوت کرداری و گفتاری از زندگی کاربرد دارد.

به‌طور تقریبی، در همه تعاریف یاد شده از سوی صاحب‌نظران درباره «سبک زندگی»، می‌توان دو مفهوم را یافت که البته هر دو نیز به واژه «سبک» برمی‌گردد. نخست: مفهوم وحدت، بدین معنا که سبک زندگی، حکایت‌کننده از مجموعه‌ای از عناصر، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هاست که کم‌وبیش، به‌گونه‌ای نظام‌مند با هم ارتباط داشته و یک کل را به وجود می‌آورد. وجود واژگانی مانند «مجموعه»، «کلیشه» و «الگو» نشان از این مطلب دارند؛ دوم: مفهوم تمایز، بدین معنا که اتحاد و نظام‌مندی، این کل را از کل‌های دیگر جدا و متمایز می‌سازد. وجود واژگانی همچون «تمایز»، «مشخص»، «مشخص‌کننده» و «بی‌همتا» حکایت از این نکته دارد.

تعبیر سبک زندگی، مجموعه‌ای از عرصه‌ها، رفتارها و گفتارها در حوزه‌های مختلف است که در زندگی نهادینه شده است. بر اساس این تعریف، مراد از «سبک زندگی اسلامی» آن نوع از سبک زندگی است که از آموزه‌های قرآن و روایات سرچشمه گرفته است؛ یعنی مجموعه‌ای از عرصه‌های رفتارها و گفتارها در حوزه‌های فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی و در ابعاد گوناگون عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و ... است که از تعالیم قرآن و سنت برخاسته و در زندگی بشر نهادینه شده است (محمودی، بررسی جایگاه علم در سبک زندگی قرآنی، ۱۳۹۵: ۵۶/۱۹ - ۵۸).

البته دانشمندان غربی نیز درباره «سبک زندگی» تعاریف مختلفی ارائه نموده‌اند. آلفرد آدلر، روان‌شناس آلمانی، درباره سبک زندگی تعابیر متعددی دارد او می‌نویسد: «سبک زندگی، مشی کلی فرد به‌منظور رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات است. درخت سبک زندگی دارای ریشه‌هایی در کودکی است و نگرش‌های متعدد فرد را تحت تأثیر خود دارد و چگونگی به انجام رساندن وظایف زندگی را تعیین می‌کند» (کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ۱۳۹۲: ۸۸).



### ۳. سبک زندگی کنونی مسلمانان در مواجهه با غرب فرهنگی

امروز از دو الگوی متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن گفته می‌شود. سبک زندگی مردم ما در صدسال اخیر دچار تحولات عمیق و ریشه‌دار شده است و همواره مسئله تماس، برخورد، پذیرش، طرد، مقابله یا همزیستی میان فرهنگ اسلامی - ایرانی، ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته است، مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری - فرهنگی جامعه قرار دارد.

غرب فرهنگی با مبانی ماده‌گرایی، فردگرایی، اصالت لذت حیوانی و استفاده از عقل ابزاری و با تفکری که در آن، انسان مسخ‌شده می‌خواهد جای خدا را بگیرد و به صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت، همه چیز را در تصرف و تملک خود درآورد. مدرنیته سبک زندگی خاصی را القا می‌کند که مبتنی بر نسبییت اخلاقی است.

در غرب، هدف نهایی از طرح بحث سبک زندگی صرفاً اندیشه‌های سودجویانه کارتل‌های سرمایه‌داری و شرکت‌های بزرگ تولیدی است، برای نمونه، ساموئل هانتینگتون در کتاب «چالش‌های هویت در آمریکا»، موفقیت نظام سیاسی آمریکا را در هویت‌سازی، با وجود حضور افراد متعدد خارجی با رسوم، اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت و گاهی متضاد با تمامی جهان «آمریکایی کردن» Americanization» آن‌ها می‌داند. به این معنا که ما با دین، مذهب، رنگ پوست و موی شما کاری نداریم، فقط آمریکایی زندگی کنید (سبک زندگی آمریکایی داشته باشید).

غرب کوشیده است، تاریخ جدیدی با نگرش و هویت تازه‌ای را برای انسان رقم بزند، امثال نیچه، هایدگر، هانری کربن، رنه گنون، شوان و فوکو هرکدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته‌اند. از سوی دیگر، از آنجاکه ایران جامعه‌ای دین‌دار و خدامحور است، در آن شاخصه‌هایی مانند صفا، صمیمیت، مهرورزی، ساده زیستی، قناعت، آرامش روحی، معنویت‌گرایی، آرمان‌خواهی و سلحشوری - که از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است - بین مردم محبوبیت دارد.

البته با ورود رویکردها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته، تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت، بروز پیدا کرد و هنوز این چالش ادامه دارد. جریان روشنفکر غیردینی با نام پیشرفت، توسعه و نفی عقب‌ماندگی تاریخی، به دنبال القای اندیشه‌های غربی و تجدید حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند.

عده‌ای دیگر تلاش نمودند، راه‌های میانه را مطرح کرده و گروهی دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آورند. گرچه هیچ‌کدام به راهکارهای درخور برای این دوران گذرا، دست نیافتند.

تاریخ و سنت اسلامی - ایرانی، به‌ویژه پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نگاهی متفاوت و معترض به غرب دارد. اشکال اساسی و مهم این است که متأسفانه جامعه ایرانی با وجود مقاومت‌های آگاهانه مردم دین‌مدار و تأکید بر ارزش‌های اسلامی در ظاهر، در عمل با بسیاری از سنت‌های خویش و امور هویتی و قالب‌های سبک زندگی دینی‌اش وداع کرد و عرصه را برای حاکمیت سبک زندگی غربی فراهم نمود که به تعریف جدیدی از هویت زندگی، عالم، علم و دین و دین‌داری منجر شد. حال آنکه خود غرب و غرب فرهنگی دچار بدترین انحطاط شده است.

خانم «آن ماری شیمل» اندیشمند آلمانی که تعداد آثارش تقریباً صد و ده جلد است و مدت شصت سال در دانشگاه‌های چندین کشور، به تدریس اسلام‌شناسی و فرهنگ مسلمانان می‌پرداخت، دوباره بحران امروز غرب و نیاز به معنویت چنین اظهار می‌دارد: «مبارزه شدید جهان مادی و جهان معنوی، دنیای غرب را فراگرفته است. اروپا که بر بالاترین درجات علمی و فنی رسیده، امروز بیش از هر زمان دیگری دچار انحطاط گشته است و البته به خطرهایی که تهدیدش می‌کند، آگاهی دارد و در پی راه چاره است. خروج از بحران در نظر من این است که به «ارزش‌های معنوی» بازگردیم، وگرنه فرجام بدی خواهیم داشت. درست است که انسان به پیشرفت فنی و علمی نیاز دارد؛ اما نباید این روند به بهانه زوال ارزش‌های مقدس تمام شود. چیزی که برای من همواره جالب است، ایمان زنده ملل شرق است. خدا در آنجا حی و حاضر است. مردم ایمان دارند، اگرچه به زبان نیاورند. آنان به خدا اعتقاد و توکل دارند و این باورهای انسان‌های مسلمان مدام مرا تحت تأثیر قرار داده است. با نهایت تأسف، این اعتقاد در غرب به‌مثابه تسلیم در برابر سرنوشت محتمل، فهمیده می‌شود که اصلاً چنین نیست» (رضایی بیرجندی، سبک زندگی در صحیفه سجادیه، ۱۳۹۵: ۵۴).

### حیات طیبه

زندگی معقول و سبک زندگی اسلامی مبتنی بر حیات طیبه است؛ یعنی زندگی خوب و پاک که نقطه مقابل آن حیات خبیث است. زندگی پاکیزه و معقول پاداش رفتار صالحانه و اندیشه‌ها و باورهای پاک مؤمنان است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/ ۹۷).

حیات طیبه؛ یعنی زندگانی متعادل در صراط مستقیم حق و آن‌گونه که سزاوار انسان است، در هر دو جنبه وجودی انسان هم حرکت و احساس بدن در مجرای متعادل و بدون هیچ انحراف و هم سیر و سلوک روح در مسیر الهی و روحانی و عقلانی که همان حرکت به‌سوی کمال انسانی است.



## ۴. مبانی سبک زندگی اسلامی

اساس پاک‌زیستی در این دنیا ابتدا تحکیم اصول و مبانی دین به‌عنوان شالوده برنامه‌ریزی برای زندگی معنادار (سبک صحیح زندگی) است. مبانی سبک زندگی اسلامی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

یک. ایمانی و گرایشی؛

دو. رفتاری؛

سه. فرهنگی و اجتماعی.

### اول: مبانی ایمانی و گرایشی

مهمترین مبانی ایمانی و گرایشی عبارت‌اند از: ایمان به خدا، خودباوری، توجه قلبی به حضور در پیشگاه خداوند، اعتقاد به توفیقات الهی، توکل، دعا و ...

### الف. ایمان و جایگاه آن در وجود انسان

قرآن کریم از باورها و اعتقادات به «ایمان» تعبیر نموده و جایگاه آن را «قلب» معرفی کرده است. خداوند درباره برخی از اعراب که ادعای ایمان می‌کردند می‌فرماید: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...﴾ (حجرات/ ۱۴)؛ «بادیه‌نشینان گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است...». این آیه نشان می‌دهد که انسان باید آمادگی لازم را برای «شناخت» پیدا کند، سپس «قلب» خویش را برای پذیرش «ایمان» به آنچه نسبت به آن شناخت و معرفت پیدا نموده، مهیا سازد. ساحت قلب باید همچون آینه‌ای از زنگار و غبارهایی همچون اخلاق و عناد و گناه پاک و صیقلی باشد تا نور حیات معنوی از آن بر سراسر وجود انسان ساطع گردد.

### ب. خودباوری و خودیابی

تاروپود خدا باوری و خودباوری چنان درهم تنیده‌اند که گویا یکی بدون دیگری اصلاً تحقق‌پذیر نیست. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾ (حشر/ ۱۹). قرآن خدا فراموشی را باعث خود فراموشی انسان می‌داند. از سوی دیگر، باور اینکه تمامی خلقت، طفیلی وجود انسان است، خود انسان و حیاتش را در مراتبی بس والا و ارزشمند ارتقاء می‌دهد. در حدیث قدسی آمده است: «یا بنی آدم خلقتُ الأشياءَ لأجلک و خلقتک لنفسی»؛ «ای انسان، همه چیز را به خاطر تو و تو را به خاطر خودم آفریدم» (فیض کاشانی، علم الیقین، ۱۳۷۷: ۱/۳۸۱).



### ج. توجه قلبی به حضور در پیشگاه خداوند

قرآن کریم با تعابیر مختلفی، این حقیقت عالی را برای ساختن یک حیات پاک و زیبا و معنادار مکرراً گوشزد کرده است: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید/ ۴): «هر جا باشید، او با شماست و خدا به آنچه می‌کنید، بیناست.» ترجمان این کریمه، در این حدیث شریف است که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده: «أَفْضَلُ إِيْمَانِ الْمَرْءِ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ مَعَهُ حَيْثُمَا كَانَ» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ۱۴۰۴ ق: ۲۵۹/۲۰)؛ «از برترین مراحل ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد، خدا با اوست.»

همان‌گونه که نقطه آغازین شکوفایی زندگی طیب، ایمان به خداست، شگفتن مستمر گل زندگی حقیقی انسان، در گروی حفظ این نیروی خارق‌العاده در بستر زندگی است، به‌گونه‌ای که نه تنها پژمرده نشود، بلکه عطر و جودش، سرتاسر گیتی و حتی عالم ملکوتیان را مدهوش سازد؛ چراکه باور قلبی به سرچشمه حیات و آفریننده تمام زیبایی‌ها و لوازم و امکانات رسیدن به آن‌ها، تمام راه‌های رسیدن به زندگی معنادار را برای انسان میسر خواهد کرد.

### د. اعتقاد به توفیقات الهی و بهره‌گیری از آن

یکی از عوامل تداوم حیات معنادار، اعتقاد به توفیقات الهی است که آرامش و پایداری را نیز برای زندگی انسان به ارمغان خواهد آورد. خداوند در آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت/ ۳۰)؛ عامل توفیقات الهی را در قالب نزول فرشتگان الهی بر مؤمنان برای تقویت و دلگرمی آنان و از بین بردن ترس و اندوهشان در زندگی معرفی کرده است. در این آیه، خداوند بهره‌گیری از توفیقات الهی با استقامت بر کلمه توحید را به‌عنوان راهکاری برای تداوم و استمرار و ثبات قدم در مسیر پاک‌زیستی که همان «صراط مستقیم» است، معرفی فرموده است. تعبیر «ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» شاهد بر مطلب است؛ چراکه «ثُمَّ» دلالت بر استمرار دارد (زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۴). چنین اعتقادی است که انسان را در مسیر زندگی معقول و پاک و سعادت به تکاپو و تلاش وامی‌دارد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/ ۶۹).

### هـ. توکل

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت و استمرار عزمی که انسان بر انتخاب سبک زندگی اسلامی نموده است، اعتماد بر خدا و توکل بر اوست. خداوند متعال از پیامبرش خواسته است، پس از عزم و تصمیم، بر خداوند توکل کند: «فَإِذَا عَزَمْتَ عَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل‌عمران/ ۱۵۹).





از آنجاکه توکل امری قلبی و درونی است و ریشه در معرفت به خدا و اخلاص انسان مؤمن دارد، اگر در جایگاه اصلی اش، یعنی پس از هدف گذاری، تفکر و اندیشه، مشورت سازنده و انتخاب نیکو و سپس تلاش قرار گیرد، نقش بسیار حیاتی در معنادار سازی و سبک صحیح زندگی دارد؛ چراکه انسان متوکل خود را به کسی وابسته می یابد که از هر کس نسبت به او دلسوزتر و مهربان تر و در سامان دهی زندگی و عملکردش در زندگی توانا تر است. لذا به آرامش عمیقی دست یافته، به آینده نیز امیدوارتر می شود.

## و. دعا

یکی از تجلی گاه های خدا باوری، در زندگی بشر، دعا در پیشگاه خواند حکیم است که به گونه شگرفی بشر را از ناملایمات زندگی، تحت تدبیر و الطاف الهی رهایی می بخشد. تأثیراتی که دعا در «خدا محوری» در زندگی انسان و در نتیجه سبک زندگی معقول و مطلوب اسلامی او ایفا می کند، بر کسی پوشیده نیست. از جمله آیاتی که برای تأکید بر این مطلب، زیباترین اسلوب و لطیف ترین و پرمعنا ترین دلالت را دارد، این کریمه است: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (بقره/۱۸۶).

گرچه «دعا» در حقیقت ریشه در فطرت انسان دارد و خواسته های حقیقی قلب انسان است؛ چراکه جز خدا کسی نیازها و خواسته های بشر و تمام موجودات را چه در حوزه حیات فرودست و چه در حوزه حیات فرادست، بر آورده نمی سازد، ولی خواندن خداوند با زبان و اظهار نیاز در درگاه او، نشان از هماهنگی آدمی با حقایق عالی زندگی اش دارد که باعث استمرار بخشیدن به زندگی معنوی و حقیقی انسان خواهد شد؛ چراکه از خدا آگاهی به خدا باوری و از خدا باوری به یک شأن از شئون خدا محوری یعنی دعا راه یافته است.

## دوم: مبانی رفتاری

آنچه باعث محتوا بخشی به زندگی می شود و در واقع، ثمره بینش ها و اعتقادات انسان در زندگی است و پس از مرتبه «گرایش» قرار می گیرد، عمل و رفتار انسان است که در لسان قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از آن به «عمل صالح» تعبیر شده است. خداوند متعال در سوره کهف می فرماید: ﴿... فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/۱۱۰)؛ بر آورده شدن غرض اصلی و متعالی آفرینش انسان؛ یعنی لقاء پروردگار را مبتنی بر انجام عمل صالح و دوری از شرک در عبادت پروردگار اعلام فرموده است. بنابراین می توان از مقتضیات حیات معنادار و سبک زندگی اسلامی انسان را عمل صالح و از موانع مسلم آن شرک در پرستش خدا را نام برد. مهمترین مصادیق رفتارهای خدا پسندانه ای که موجب اسلامی سازی سبک زندگی می گردد، در ذیل معرفی می شود:



### الف. آخرت طلبی عینی

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ (اسراء/ ۱۹).

آری، تلاشی موردپذیرش ساحت مقدس پروردگار قرار می گیرد که بر اساس اصل پایدار که بازگشت انسان‌ها به آخرت است، انجام گیرد. به سخن دیگر، همت خود را صرف امور ناپایدار و پست دنیایی قرار ندهد، بلکه بلندهمت باشد و تلاش در دنیا را برای اهداف والای الهی ساماندهی کند تا به نتیجه مطلوب دست یابد.

### ب. انتخاب بهترین‌ها

یکی دیگر از زیرساخت‌های زندگی اسلامی که در راستای بلندهمتی قرار دارد و اراده انسان را در جهت انجام عمل مطلوب سامان می بخشد، «انتخاب بهترین‌ها» از میان افکار، نیت، گفتار و اعمال و تمام امور زندگی است. خداوند حکیم در این باره می فرماید: ﴿وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ (زمر/ ۵۵)؛ در این آیه شریفه برای «انتخاب احسن» از میان آنچه برای زیبا زیستی از جانب خداوند متعال برای بشریت نازل شده، به کم بودن وقت عمر انسان و از دست رفتن فرصت استدلال شده است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ۴۲۷/۱۷).

### ج. دل نبستن به دنیا

یکی دیگر از اموری که شرط نخستین حرکت در مسیر رستگاری و عمل صالح است و قدرت تلاش در جهت پاک‌زیستی را در انسان فراهم می آورد، آن است که انسان دل‌بسته و شیفته کروکورد دنیا و امور دنیایی نشود.

این مطلب در دعای امام سجاد علیه السلام به تجافی از دار غرور تعبیر شده است. وجود مقدس حضرت زین العابدین علیه السلام در دعای شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان که تا به صبح به خواندن آن ادامه می داد. از خداوند درخواست می کرد: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ» (سید بن طاووس، إقبال بالأعمال الحسنة، ۱۳۶۷: ۲۲۸).

آیت‌الله جوادی آملی در بیان تجافی از دار غرور و صعود به سوی نور، می فرماید: «اولین شرط در حرکت به سوی خداوند، آمادگی برای پرش و خیز برداشتن است که از آن به تجافی یاد می کنند» (جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن، ۱۳۷۹: ۲۷۲).



قرآن کریم وصف حال اهل تجافی را این چنین به تصویر می کشد: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ (سجده/۱۶)؛ تجافی یعنی اجتناب و دوری. مؤمنان واقعی کسانی هستند که شبانگهان برای دعا و راز و نیاز با خداوند عزیز از رختخواب خویش دور می شوند و پهلوهایشان دوخته و چسبیده به استراحت گاهشان نیست.

آری، انسان با ایمان در این دنیا و در میان امور دنیایی زندگی می کند؛ اما به خاطر خداوند و برای نزدیکی به محبوب به راحتی می تواند از آن جدا شود. اگر ثروتی دارد، به خاطر انفاق در راه خدا می تواند از آن جدا شود و همین طور از تمام تعلقات دنیایی دیگر.

#### د. تلاش و فعالیت سازنده

انسان هایی که سالک راه حیات معنادار و زندگی اسلامی بوده اند، پیوسته در دنیا به کار و فعالیت پرداخته اند. پرهیز از بیکاری و اشتغال به انجام کارهای مفید هم توانمندی های انسان را در جهت مطلوب به شکوفایی می رساند و هم باور اختیار گرفتن زمام نفس اماره و نیز دیگر جنبه های حیوانی، از رذایل اخلاقی بسیاری نیز مانند منفی بافی، احساس پوچی و بی حوصلگی و نظیر آن که موانع حیات معنادار هستند، جلوگیری می کند.

در قرآن از کسانی که برای کسب روزی به سفر می روند، تمجید به عمل آمده و خداوند آنان را در ردیف جهادگران در راه خود نام برده است. ﴿وَ آخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخِرُونَ يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (مزمّل/۲۰).

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «کسی که برای رفاه و امرار معاش خانواده اش تلاش می کند، مانند رزمنده ای است که در راه خدا جهاد می نماید» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۳/۱۲).

این نکته را نیز می توان از آیه فوق دریافت که «جهاد اقتصادی» بخشی از جهاد با دشمن است؛ چراکه در کنار آن ذکر گردیده است و در مقام عمل نیز می تواند توانایی دشمن را به سستی و ناتوانی مبدل سازد.

برخی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله درهای منازل را به روی خود بستند و مشغول عبادت شدند و گفتند: «خداوند عهده دار روزی ما شده است.» وقتی آن حضرت از چنین موضوعی باخبر شد، اعتراض کرده و فرمودند: «هرکس چنین کند، دعایش مستجاب نمی گردد، بر شما باد که تلاش و طلب روزی کنید» (عروسی حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵: ۳۵/۵، ح ۳۵۴).

بنابراین برای فراهم آمدن رشد و رونق تولید و جهش تولید در ابعاد مختلف زندگی، چاره ای جز فعالیت وجود ندارد و از این رو انتخاب گزینه بیکاری به گمان رسیدن روزی از عالم غیب، پنداری باطل است.

## سوم: مبانی فرهنگی، اجتماعی

از آنجاکه یکی از زیرساخت‌های سبک زندگی اسلامی، عوامل محیطی؛ یعنی فرهنگ و اجتماع است، در اینجا مهمترین موارد آن ارائه می‌گردد:

### الف. مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی نسبت به دیگران

خداوند متعال به منظور ایجاد روحیه خوش‌بینی نسبت به دیگران، مؤمنان را از سوءظن نسبت به یکدیگر برحذر داشته است. از جمله در داستان افک: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾ (نور/ ۱۲)؛ «چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود گمان خیر نبردند؟»

این آیه کریمه نشان می‌دهد که انسان با ایمان باید نسبت به برادران و خواهران دینی خویش گمان خیر داشته باشد. به‌ویژه زمانی که افرادی منافق درباره آن‌ها شایعاتی را پراکنده سازند. از آنجاکه آسیب‌پذیری در مقابل شایعات، یکی از موانع جدی سبک زندگی اسلامی است و آرامش و سلامت روان افراد را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، خوش‌گمانی و حسن ظن نسبت به یکدیگر، عاملی مهم برای حفظ امنیت زندگی اجتماعی به شمار می‌رود.

### ب. تواضع و فروتنی

یکی از عواملی که باعث شکل‌گیری محبت و پیوند بین افراد یک جامعه و جلوگیری از تشنّت و پراکندگی بین آن‌ها و در نتیجه مصون ماندن جامعه از آسیب‌ها و حوادث احتمالی می‌شود، تواضع توأم با مهر و محبت است. نرم‌خویی، خوش‌برخوردی، مدارا نمودن، ملاحظت و تواضع نسبت به دیگران در اسلامی سازی سبک زندگی نقش بسیار مهمی دارد. از این‌رو، قرآن کریم به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که نسبت به مؤمنان پروبال مهربانی و تواضع بگستراند: ﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (شعراء/ ۲۱۵).

### ج. گذشت از خطاهای دیگران

پیامبر اسلام ﷺ هنگام فتح مکه در سال هشتم هجری، به شخصی که شعار انتقام‌جویی می‌داد: «الیوم یوم الملحمة» فرمودند: «الیوم یوم الرحمة»، امروز، روز رحمت است نه انتقام. در واقع پیام‌آور رحمت الهی برای جهانیان به ما می‌آموزد که دستاورد پیروزی شما حتی بر دشمن رحمت و مهربانی و بشارت باشد. حضرت با این تکنیک همه قلوب را فتح نموده، محبوب دل‌ها شد و به جامعه انسانی اعلام فرمود که رمز توفیق و توانمندی صعود به قله‌های رشد و تعالی، گذشت و تعطیلی حس انتقام‌جویی است.



#### د. برخورد مناسب با دگراندیشان

اساس دعوت و تبلیغ در اسلام، نرمی و عطوفت است. قرآن کریم روش دعوت به سوی حق را به زیبایی برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها این‌گونه ترسیم فرموده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...﴾ (نحل/۱۲۵). در این آیه کریمه می‌فرماید: ابتدا اساس دعوت باید از روی علم و دانش و منطق و استدلال عقلی و حساب شده باشد و سپس اندرزهای نیکو. اندرزهایی که خالی از هرگونه خشونت و برتری‌جویی و تحقیر طرف مقابل و تحریک حس لجاجت او باشد و همچنین مناظره با مخالفان به طریقی که نیکوتر است.

علاوه بر آن، اسلام برای شکل‌گیری زندگی اسلامی در مناسبات اجتماعی افراد جامعه دستورات حیات‌بخش دیگری را نیز به مسلمانان داده است، نظیر مشورت، خوش‌برخوردی و نرم‌خویی، محبت‌ورزی که در اسلامی‌سازی سبک زندگی در حوزه جامعه و فرهنگ می‌گنجد.

هـ. رعایت حال مستمندان و نیازمندان جامعه و احساس مسئولیت در مقابل محرومان و گرسنگان و یابریگان

#### و. پاسداری از حریم عفت عمومی

پوشاندن عیوب مردم و حفظ احترام و عزت هموعان و حفظ آبروی مسلمانان (نور/۲۷).

#### ز. وحدت کلمه

قرآن کریم پذیرش دین اسلام و اتفاق مردم بر سر کلمه توحید را یکی از عوامل وحدت‌آفرین جامعه اعلام فرموده و آن را به‌عنوان یک نعمت الهی معرفی فرموده است: ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ (آل عمران/۱۰۳). در اهمیت «وحدت» بین مسلمانان، همین بس که همگی شعائر اسلامی و عبادات، به‌منظور حفظ همین یکپارچگی و وحدت کلمه مسلمانان جهان طرح‌ریزی شده است. البته حفظ این وحدت و یکپارچگی نیز به رشد و تعالی مسلمانان کمک شایانی خواهد کرد.

#### ک. امر به معروف و نهی از منکر

نمونه‌ای از مسئولیت اجتماعی که بر عهده افراد جامعه است، تشویق به کارهای نیک و ساکت و بی‌تفاوت نبودن در مقابل شرّ و منکر در جامعه است. خداوند متعال مسلمانان را بهترین امتی معرفی نموده که برای خدمت به جامعه بشریت بسیج گردیده‌اند و دلیل آن را امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به خدا دانسته است: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ...﴾ (آل عمران/۱۱۰).

این بیان نشانگر آن است که اصلاح جامعه بشری، تحول و تکامل و پویایی و رشد و تعالی آن بدون دعوت به حق و مبارزه با فساد امکان‌پذیر نیست.

#### ل. نیکی به دیگران از راه‌های مختلف

پیوند با دیگران و برداشتن گام‌های مثبت برای دیگران نه تنها باعث تجدید حیات جامعه می‌شود، بلکه در جذب مکانیزم‌های زندگی معنادار اسلامی به سوی خود فرد نقش دارد. نمونه‌های بارز قرآنی این مطلب عبارتند از:

احساس و نیکی به پدر و مادر (اسراء/ ۲۳-۲۴)؛ سخاوت و بخشش از بهترین دارائی‌ها (آل عمران/ ۹۲)؛ و همزیستی سنجیده و همیاری در خوبی‌ها (مائده/ ۲).

معاشرت‌های سنجیده و نیکو در بین افراد اجتماع، به خوبی معناداری زندگی را ارتقاء می‌بخشد. در این میان ارتباط با بزرگان و عالمان دین، جایگاهی عمیق و تأثیرگذار دارد. معاشرت با کسانی که خود به‌غایت متعالی حیات اسلامی دست‌یافته‌اند و در طی طریق صراط مستقیم ثابت قدم بوده‌اند، جامعه را به سوی رشد و تعالی پیش می‌برد.

#### ۵. مبانی سبک زندگی غربی

دگراندیشان غربی با تحقیر انسان و تقلیل او به اموری بی‌بها و کمتر از خودش و پای فشردن بر عدم تمایز ماهوی و حقیقی انسان با حیوان و موجودات فرودست او، موجب سقوط او در پرتگاه بی‌هویتی و سرگردانی بی‌آغاز و بی‌انجام شده‌اند که رهاوردی جز بی‌هدفی و پوچی و غرق شدن بشر در منجلاّب هلاکت مادی‌گرایی نداشته است.

چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (جاثیه/ ۲۴)؛ «گفتند: جز همین زندگی دنیایی، زندگی دیگری نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را چیزی جز طبیعت و روزگار نابود نمی‌کند.»

داشتن چنین رویکردی در زندگی دنیوی و مادی انسان که نگاه تک‌بعدی به حیات آدمی است، باعث شده که آنان در معرفی انسان و زندگی او فقط از منافذ اصالت قدرت، اصالت منفعت و اصالت لذت وارد شوند.

#### یکم. لذت‌گرایی

امروزه معنای حیات آدمی به‌سوی برخورداری از لذت، در هر شکلی که ممکن باشد و در دسترس قرار گیرد، توجیه می‌شود. تا آنجا که حیات بدوی برخورداری از لذت، پوچ تلقی می‌گردد. البته لذت خود یکی از وسایل مهم سیر حیات انسان به سوی اهداف عالی اوست؛ اما سؤال این است که آیا هدف نهایی قرار دادن لذت، در زندگی و همه فعالیت‌های خویش را در لذت‌گرایی متمرکز نمودن به صلاح انسان است؟



علامه جعفری در این باره چنین اظهار نظر نموده‌اند: «جای شگفتی اینجاست که اینان، لذا اید معنوی را که ممکن است در نتیجه مراعات ارزش‌های والای انسانی به وجود بیاید، با یک اصطلاح نابجا (ارزش‌ها اعتباری هستند) از دیدگاه علمی برکنار می‌سازند و به جای آن‌ها لذا اید حیوانی را به بهانه محسوس بودن آن‌ها در قلمرو علم قرار می‌دهند» (جعفری، پیام خرد، ۱۳۷۴: ۲۱۶).

### دوم. قدرت‌گرایی

گرچه قدرت یکی از عالی‌ترین وسایل حرکت به سوی حیات معنوی است؛ اما با به‌کارگیری آن در جهت نامطلوب نه تنها آن را در خدمت زندگی پاک (پاک‌زیستی) قرار نداده، بلکه آن را به صورت وسیله‌ای برای چپاولگری‌ها و سلطه‌گری‌ها در سطح حیات بشریت در آورده‌اند.

به همین دلیل تعاریفی هم که از انسان ارائه داده‌اند، در همین مجراست. به عنوان مثال، توماس هابز می‌نویسد: «انسان گرگ انسان است، اگر او را به حال خود واگذارند» (خدادادی، مبانی علم سیاست، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

چنین بینش و قیحانه‌ای با بی‌شرمی هرچه تمام‌تر انسان را تا سرحد درندگان تنزل می‌دهد و باعث می‌شود که تمام برنامه‌ریزی‌های حیاتش نیز بر اساس آن طرح‌ریزی شده، در نتیجه کرامت والای انسان و حیات متعال او را تخدیر می‌کند. البته ناگفته نپیداست، قدرتی که برای دریدن دیگران جهت داده شود، قطعاً همان هم تفسیر نادرستی از توانمندی‌های انسان است.

علامه جعفری می‌فرماید: «شخصیت‌هایی همچون نرون، چنگیز، گالیگولا و دیگر قدرتمندان هر چیزی که می‌خواهند و هر جور که مایل باشند، می‌توانند رفتار کنند، بدون آنکه قیودی یا حدودی را رعایت نمایند، این بر سر ما همان را خواهد آورد که بر سر نهیلیست‌ها آمد» (همان: ۱۴۵).

### سوم. نفع‌گرایی

منفعت خواهی ریشه در «حب ذات» دارد و خود یکی از وسایل پیشرفت امور زندگی بشری است، ولی باز وقتی به دیده افراطی و به مثابه هدف به آن نگریسته شود و به جای «حق‌گرایی» نشانده شود، انسان را تنزل می‌دهد و سقوط بشر را شدت بیشتری می‌بخشد (ر.ک: رضایی آدریانی، پیشرفت علوم طبیعی و نقش آن در سبک زندگی قرآنی، مجله قرآن و علم، ۱۳۹۸).

در مکاتبی که سردمدارانی همچون هابز، ماکیاول، نیچه و فروید انسان را در مجرای قدرت معرفی کرده‌اند، یا ارزش حیات را تا «تنازع بقاء» تنزل داده و حیات را منهای اخلاق بررسی نموده‌اند و حیات

بشریت را در ردیف چارپایان فرض کرده‌اند و قوانین حاکم بر موجودات پست‌تر از او را به حیات او سرایت داده‌اند و سپس حقوق بشر را بر اساس آن پایه‌گذاری نموده‌اند؛ اینان با این فلسفه و رویکردی که به انسان دارند، نمی‌توانند اهداف عالی‌های که در آفرینش انسان تنظیم شده و از او انتظار می‌رود، برآورده سازند؛ چراکه توجه و نگاه آن‌ها به انسان و حیاتش یک توجه تک‌بعدی است. توجهی که فقط به زندگی طبیعی و حیوانی انسان معطوف شده و بریده از جنبه متافیزیکی حیات است، لذا در سایه آن اندیشه‌ها، معنا برای زندگی معنوی و معقول تحقق پیدا نمی‌کند.

دست‌آخر در چنین فضایی که در این عصر شاهد آنیم، شخصیت انسان‌ها در لابه‌لای چرخ‌دنده‌های ماشین‌های صنعت خرد می‌شود و درهم می‌شکند. این پیام شوم نگاه جاندار بودن صرف به حیات انسانی است. از این‌رو، اگر هم در بعضی وادی‌ها او را پیش برده‌اند؛ اما در نیمه‌راه در این بیابان آراسته و در سراب‌های سرگردانی رهایش کرده‌اند.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد: «امروزه جهان‌بینی مادی با استفاده ناروا از نهادهای حقوقی سازمان ملل به مقابله با نظریه‌های تربیتی اسلام برخاسته است و تصریح می‌کند که انسان را باید از کودکی به حال خود رها کرد و از تبیین و توضیح و تشریح هرگونه دیدگاه مذهبی و هر میزان آموزش عقیدتی نسبت به او دست کشید تا خود او پس از بلوغ تصمیم گیرد و نظام اندیشه و عقیده خود را در جوانی شکل دهد و سرانجام به هر مکتب و مسلکی که خواست روی آورد و این بدان می‌ماند که نهالی را در دوران رشد و بالندگی از سرپرستی باغبان محروم سازند تا پس از تنومندی و کج شدن که استقامت و راستی به دنبال ندارد، در اختیار خود یا دیگری قرار گیرد» (جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

برای اثبات بی‌هویتی انسان مدرن و سردرگمی او نیازی به قلم‌فروسی نیست؛ اما می‌توان در یک کلام علت این بیماری بزرگ را که بزرگ‌ترین بیماری در سبک زندگی انسان معاصر است، در گسست از دین و خدا دانست. این مطلب مورد اذعان برخی از اندیشمندان غربی نیز هست: «آشفته‌گی و سرگردانی انسان در جهان مدرن ناشی از فقدان ایمان او و دست برداشتن از خدا و دین است» (استیس، در بی‌معنایی، معنایی هست، ۱۳۸۲: ۱۰۹).





## نتیجه

در فرهنگ مبین اسلام حیات و انسان از ارزشی والایی برخوردار هستند. از این جهت راهکارهای مفیدی را در جهت پاسخ به پرسش‌هایی جاودانه بشریت در جهت معنادارسازی و اسلامی نمودن سبک حیاتش معین فرموده است و بشر را تحت تربیت و هدایت الهی قرار دادن، شیرین‌ترین آهنگ زندگی و زیباترین و بهترین رنگ حیات می‌بخشد. به گونه‌ای که در روزی که تمام اندیشه‌هایی که به فکر رنگ‌ورودادن به حیات بشریت بودند، رنگ می‌بازند؛ او رنگ الهی را از دست نمی‌دهد و با رویی سفید، سبک زندگی اسلامی - الهی را برمی‌گزیند. ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره/۱۳۸). بر همین اساس، قرآن توانسته است از طریق سازمان‌دهی و شکل دادن به زندگی روزمره جامعه اولیه مسلمانان به لحاظ مادی و معنوی، در تمام ابعاد زندگی روزمره وارد شود. گسترش اسلام در یک بازه زمانی بسیار کوتاه، قرآن را به محیط‌های فرهنگی - اجتماعی متفاوتی معرفی کرد و در نهایت این کتاب آسمانی در این محیط‌ها به موقعیتی ممتاز دست یافت.

یکی از مبانی و رویکردهای مهم سبک زندگی غربی، لذت‌گرایی محض است. از نظر اسلام، شادی و لذت بردن از زندگی ممنوع نیست. لذت‌های این جهان نه نکوهیده‌اند و نه حرام؛ اما مؤمنان باید به سرچشمه این لذات توجه کنند. تأکید جدی قرآن بر حالات شادی و غمی است که در آخرت تجربه می‌شود. بر همین اساس، مؤمنان در سبک زندگی دنیوی خود، از طریق ایثار و انفاق مالی، محرومان و مستمندان را نیز در شادی‌های خود شریک و سهیم می‌سازند. علاوه بر اینکه روح حاکم بر لذت‌ها و شادی‌ها را رضایت و خشنودی پروردگار متعال قرار می‌دهند.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، انتشارات المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم: ۱۴۰۴.
۳. استیس، والتر، تی، در بی معنایی، معنایی هست، بازتاب اندیشه، ترجمه: اعظم پویا، شماره ۱ و ۲، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۲ ش.
۴. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، تهران: ۱۳۸۲.
۵. جعفری، محمدتقی، پیام خرد (مجموعه مقالات و سخنرانی های بین المللی)، نشر کرامت، تهران: ۱۳۷۴.
۶. جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن، نشر اسراء، قم: ۱۳۸۶.
۷. —، صورت و سیرت انسان در قرآن، اسراء، قم: ۱۳۷۹.
۸. حر عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، آل البیت، قم: ۱۴۰۹.
۹. رضایی آدریانی، ابراهیم، «پیشرفت علوم طبیعی و نقش آن در سبک زندگی قرآنی»، مجله قرآن و علم، دوره ۱۳، شماره ۲۴، بهار و تابستان ۱۳۹۸.
۱۰. رضایی بیرجندی، علی، سبک زندگی در صحیفه سجادیه، مؤسسه بوستان کتاب، قم: ۱۳۹۵.
۱۱. زمخشری، جارالله محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۴۰۷.
۱۲. سید بن طاووس، علی بن موسی، إقبال بالأعمال الحسنه، دارالکتب السلامیه، تهران: ۱۳۶۷.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، هجرت، قم: ۱۴۱۴ ق.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: ۱۴۱۷.
۱۵. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، اسماعیلیان، قم: ۱۴۱۵.
۱۶. فیض کاشانی، مولی محسن، علم الیقین، انتشارات اسلامیه، تهران: ۱۳۷۷.



۱۷. قاری زاده ابرقویی، ابوالفضل، معناداری زندگی از دیدگاه قرآن و عترت، دانشکده تفسیر و علوم قرآن، قم: ۱۳۸۷.
۱۸. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاهی، قم: ۱۳۹۲.
۱۹. محمودی، اکبر، «بررسی جایگاه علم در سبک زندگی قرآنی»، دوفصلنامه قرآن و علم، ش ۱۹، ۱۳۹۵.
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۱.

## References

1. The Holy Quran, Translated by Muhammad Ali Rezaei Isfahani and A Group of Professors of Al-Mustafa University, Al-Mustafa Publications, Qom: Second Edition, 2009.
2. Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid ibn Hibbah Allah, Sharh Nahj al-Balaghah, Ayatollah Marashi Najafi Library Publications, Qom: 1404.
3. Stace, Walter, T., There Is A Meaning In Meaninglessness; Reflection of Thought, Translation: Azam Pouya, No. 1 and 2, Eighth year, Spring and Summer 2003.
4. Anvari, Hassan, Farhang Bozorg e Sokhan, Sokhan Publications, Tehran: 2003.
5. Jafari, Muhammad Taqi, Payam-e-Kherad (Collection of International Articles and Lectures), Karamat Publishing Center, Tehran: 1995.
6. Javadi Amoli, Abdullah, The Real Life of Mankind in the Quran, Esra Publishing Center, Qom: 2007.
7. \_\_\_\_\_, The Form and Character of Mankind in the Qur'an, Esra', Qom: 2010.
8. Hurr Amili, Sheikh Muhammad ibn Hassan, Wasail al-Shia, Alul -Bayt, Qom: 1409.
9. Rezaei Adriani, Ebrahim, "The Development of Natural Sciences and Its Role in the Quranic Lifestyle", Journal of Quran and Science, Volume 13, Number 24, Spring and Summer 2019/2020.
10. Rezaei Birjandi, Ali, Lifestyle in Sahifa Sajjadih, Bustan Ketab Publisher, Qom: 2016.
11. Zamakhshari, Jarullah Mahmoud, Al-Kashshaf An Haqaiq Ghawamiz al-Tanzil, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut: 1407.
12. Seyyed Ibn Tawus, Ali Ibn Musa, Iqbal Bi al-A'mal Al-Hasnah, Islamic Books Publications, Tehran: 1988.
13. Sharif Razi, Muhammad ibn Hussein, Nahj al-Balaghah [Peak of Eloquence], Edited by Subhi Salih, Hijrat, Qom: 1414 AH.
14. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hussein, Al-Mizan Fi Tafsir al-Quran, Qom Seminarian Teachers Association Publications, Qom: 1417.
15. Urusi Waizi , Abd Ali Ibn Juma, Noor al-Thaqalain, Ismailian, Qom: 1415.
16. Faiz Kashani, Mulla Mohsin, Science of Certainty [Ilm al-Yaqeen], Islamia Publications, Tehran: 1998.
17. Qarizadeh Abarquvi, Abolfazl, The Meaning of Life from the Perspective of Quran and Ahul Bayt, Faculty of Quranic Interpretation and Sciences, Qom: 2008.
18. Kaviani, Muhammad, Islamic Lifestyle and Its Measurement Tools, Seminary and University Research Institute, Qom: 2013.
19. Mahmoudi, Akbar, "A Study of the Place of Science in the Quranic Lifestyle", Bi-Quarterly Journal of Quran and Science, Vol. 19, 2016.
20. Moin, Muhammad, Moin Persian Dictionary, Amirkabir Publications, Tehran: 1992.